نکات ادبی و مباحث مطرح شده در حکمت ۴۷۱ نهج البلاغه (سکوت و سخن)

چکیده

فاطمه افخمی[۱]

کتاب شریف نهج البلاغه به عنوان یکی از میراث های عظیم و گران مایه ی شیعیان، در بردارنده معارف والای الهی در موضوعات مختلف می باشد. مباحث اخلاقی و تربیتی بخش قابل توجّهی از نهج البلاغه را به خود اختصاص داده است. صمت(سکوت) و سخن به عنوان دو مفهوم اخلاقی در نهج البلاغه، از اهمیت ویژه ای برخوردارند. امیرالمؤمنین(علیه السلام) درخطبه ۴۷۱ به صورت مختصر جایگاه حق و مرز بین سکوت و سخن را بیان می کند که موشکافی این خطبه در تعیین جایگاه مناسب سکوت و سخن گفتن، نقش به سزایی دارد. طبق آیات و روایات سخن دارای حکمت سخنی ست که برخاسته از تقوای الهی و علم ناشی از آن باشد و جهل که نقطه مقابل حکمت است همان اثر بی تقوایی بر عقل و نفس است که موجب بیان سخن جاهلانه می شود. گفتار جاهلانه پیامدهای جبران ناپذیری را مانند: همراه شدن با شیطان، از بین بردن وحدت، ایجاد بدگمانی و... به همراه دارد. هم چنین در منابع روایی صمت و سکوت تنها در هنگام تقیّه و به منظور تهذیب نفس پسندیده و دارای خیر و منفعت است. ولی هنگامی که عالم دارای حکمت در مواضعی چون امر به معروف و نهی از منکر، تعلیم و تربیت و ارائه علم و دانش به اهل آن و یا بروز فتنه و بدعت سکوت کند، مورد لعن خدا و پیامبرش(صلی الله علیه و آله) قرار خواهد گرفت. پژوهش حاضر به روش توصیفی- تحلیلی به بررسی خطبه ۴۷۱ و تطبیق آن با آیات و روایات پرداخته و حد تعادل و مرز سکوت یا عدم سکوت و شرایط سخن گفتن را بیان کرده است.

واژگان کلیدی: صمت، سخن، حکمت، جهل

---

[۱] طبله سطح ۲، حوزه کریمه اهل بیت(ع)

مقدمه

امیر المؤمنین(علیه السلام) در حکمت ۴۷۱ موارد سکوت و سخن گفتن را به صورت جالب و موجزی بیان کرده، می فرماید: «لاَ خَیْرَ فِی الصّمْتِ عَنِ الحُکمِ، کَمَا آنّه لا خَیْرَ فی القَوْلِ بِالجَهْلِ» یعنی: خاموش ماندن از گفتار حکمت آمیز خیری ندارد همان گونه که سخن گفتن جاهلانه و نا بخردانه. این کلام شریف یک بار دیگر در نهج البلاغه در حکمت ۱۸۲ بدون کم ترین تغییری آمده است و این نشان می دهد که مرحوم سیّد رضی بر اثر فاصله زمانی در گردآوری خطبه ها و نامه ها و کلمات قصار حکمت آمیز، فراموش می کرده که آن را قبلا ذکر نموده،لذا آن را بار دیگر در ضمن کلمات آن حضرت آورده است.[۱]در مورد برتری سکوت و سخن گفتن در میان دانشمندان گفت و گوست: بعضی سکوت را ترجیح می دهند؛ زیرا خطرات و آفات زبان را بسیار می دانند و در واقع نیز همین طور است، چرا که گناهان کبیره فراوانی (حدود سی گناه کبیره) با زبان انجام می شود. از سوی دیگر امور مهمی چون تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر و ... در گرو سخن گفتن است.[۲]

از این رو امام (علیه السلام) بیان دیگری می فرماید که موارد برتری سکوت و برتری سخن گفتن را در آن مشخص کرده است. البته گاه پیدا کردن مصادیق این دو کمی مشکل است، هوای نفس می گوید: این گفتار حکیمانه است، بگو؛ ولیکن شرع و عقل می گویند: سخنی است بیهوده یا فسادانگیز، مگو. به همین دلیل هنگامی که از امام سجّاد (علیه السلام) سؤال کردند که سکوت بهتر است یا کلام؟ فرمود: «هر کدام آفتی دارد.اگر کلام خالی از عافت باشد از سکوت بهتر ا ست.» و هنگامی که پرسیدند: به چه دلیل؟ امام سجّاد (علیه السلام) دو دلیل جالب بیان کرد: نخست فرمود: «لأنَّ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ مَا بَعَثَ الأَنْبِیَاءَ وَ الأَوْصِیَاءَ بِالسُّکُوتِ إِنَّمَا بَعَثَهُمْ بِالْکَلامِ؛ **خداوند متعال انبیاء و اولیاء را به سکوت کردن مبعوث نکرد بلکه آن ها را به سخن گفتن مبعوث نمود.**» دیگر این که: «**شما هنگامی که می خواهید فضیلت سکوت را بیان کنید از کلام استفاده می کنید،ولی هرگز برای بیان فضیلت کلام از سکوت نمی توان استفاده کرد.**»[۳]

---

[۱]. مکارم شیرازی، پیام امیرالمؤمنین (ع)، جلد۲، صفحه ۱۲۸

[۲]. همان، صفحه ۱۲۹

[۳]. مجلسی، بحارالأنوار، جلد ۶۸، صفحه ۲۷۴

موضوع مورد بحث مقاله به عنوان اثر مستقل از پیشینه چندانی برخوردار نیست. درکتاب « ***پیام امیرالمؤمنین (علیه السلام)*** » به قلم ***ناصر مکارم شیرازی***، نویسنده ذیل شرح خطبه ۴۷۱ مطالبی را در مورد سخن و سکوت بیان کرده است.

در پایان نامه ای با عنوان «***سکوت از منظر نهج البلاغه***» نوشته ***علی رضا هامون گرد***، به جنبه های مختلف سکوت و انواع آن پرداخته شده است.

یک مقاله نیز با عنوان «***مفهوم شناسی صَمت و نطق در نهج البلاغه***» نوشته ***مرتضی امامی و معصومه علی بخشی*** یافت شد که نویسندگان موارد بیان شده در مورد سکوت و سخن را در کتاب نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده اند.

این پژوهش با روش توصیفی – تحلیلی قصد دارد تا مبنای سخنان جاهلانه و حکیمانه، سکوت پسندیده و ناپسند و پیامدهای منفی بیان سخن جاهلانه و سکوت نا به جای علمای حکیم را بررسی کند و از این طریق به مرز تعادلی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این خطبه برای سخن گفتن و سکوت کردن به جا بیان کرده اند، دست یابد.

مفهوم شناسی صَمت

معنای لغوی:

کلمه صَمت از مصدر فعل صَمَتَ از ماده « صاد، میم، تاء » به معنای ساکت و خاموش است.[۱]بیش تر لغت شناسان واژه صمت و سکوت را هم معنا در نظر گرفته اند. سکوت از ماده سَکَتَ است خلاف نطق و کلام و به معنای ترک سخن و خاموشی آمده است.[۲]برخی از لغویون صمت را به معنای سکوت طولانی آورده اند[۳] گروهی نیز نظیر ابن اثیر در کتاب **النهایه فی غریب الحدیث والاثر**، شخص صامت را کسی می دانند که زبانش بند آمده و نمی تواند صحبت کند و واژه « اعتقل لسانه » را به کار برده اند.[۴]هم چنین در برخی کتاب لغت واژه صامت که اسم فاعل از صَمَتَ است، برای زکات طلا و نقره به کار رفته و برای زکات اسب و شتر و گوسفند که حیوان هستند، از واژه ناطق استفاده کرده اند.[۵] طبق نظر این لغویون واژه صامت برای جمادات

---

[۱]. فیروز آبادی، معجم قاموس المحیط، صفحه ۷۵۲؛ طریحی، مجمع البحرین و مطلع النیرین، جلد۲، صفحه ۲۰۹

[۲]. فراهیدی، العین، جلد۵، صفحه ۳۰۵؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، صفحه ۲۳۶

[۳]. امامی و علی بخشی، مفهوم شناسی صمت و نطق در نهج البلاغه، صفحه ۲

[۴]. ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، جلد۳، صفحه ۵۱

[۵]. امامی و علی بخشی، مفهوم شناسی صمت و نطق در نهج البلاغه، صفحه ۳

و ناطق برای حیوانات به کار رفته است. یعنی جماداتی که قدرت تکلم و سخن گفتن ندارند، صامت شمرده شده اند.[1]

بر اساس آن چه گفته شد واژه صمت و سکوت در کتب لغت مترادف شمرده شده و تقریبا هر دو به معنای ترک سخن و خاموشی به کار رفته اند. چه این ترک سخن و خاموشی ارادی باشد چه غیر ارادی. غیر ارادی درباره جمادات و افرادی که قدرت تکلم نداشته و علیل می باشند صدق می کند.

معنای اصطلاحی:

در اصطلاح علم اخلاق یکی از راه های بر طرف کردن مفاسد و آفات زبان و از مراحل تهذیب نفس، صمت و خاموشی است.[2]علمای علم اخلاق برای سکوت و اصلاح زبان اهمیت ویژه ای قائل هستند و معتقدند که سالکان راه حق بدون رعایت سکوت و بدون حفظ زبان از انواع گناهانی که به آن آلوده می شوند، به جایی نمی رسند. هرچند در ریاضت های بدنی و روحانی و انجام عبادات کوشا باشند. به عبارت دیگر کلید ورود به مسیر تهذیب نفس و سیر الی الله توجه به این موضوع است.[3] نعمت بیان که خداوند در اختیار انسان قرار داده است و یکی از افتخارات نوع بشر می باشد، دارای دو جنبه مثبت و منفی است.درآغاز مرحله خودسازی

به بُعد منفی بیان، توجه شده است و توصیه به سکوت می کنند و بعد از کسب تسلط بر زبان، مسأله صمت مطرح می شود. صمت به معنای سکوت معنادار و کنترل شده است و آن چه در تهذیب نفس مطلوب است، سکوت به مورد است. زیرا در بسیاری از موارد گفتار و سخن گفتن، اظهار عقیده کردن، امر به معروف و نهی از منکر و ... لازم و واجب است. در چنین موارد سکوت حرام است.[4]آن چه مایه بدبختی و باز داشتن انسان از تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله است سخنان اضافی و بیهود و احیانا بی معنی و گناه آلود است.[5] بر این اساس صمت در اصطلاح با سکوت که ترک کلام به صورت مطلق است تفاوت داشته و به معنای ترک سخن در اموری است که هدف صحیحی را تعقیب نمی کنند و آن چه برای تهذیب نفس ضرورت دارد بیش تر صمت است نه سکوت. در واقع سکوت عام تر از صمت است.[6]

---

[1]. همان، صفحه ۳

[2]. نراقی، جامع السعادات، جلد۲، صفحه ۲۵۵

[3]. مکارم شیرازی، پیام امیرالمؤمنین (ع)، جلد۱، صفحه ۲۹۸

[4]. مهدوی کنی، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، صفحه ۱۲۶

[5]. نراقی، جامع السعادات، جلد ۲، صفحه ۱۹۶؛ مکارم شیرازی، پیام امیرالمؤمنین (ع)، جلد۱، صفحه ۳۰۳

[6]. امامی و علی بخشی، مفهوم شناسی صمت و نطق در نهج البلاغه، صفحه ۴

مفهوم شناسی قول

معنای لغوی:

واژه قول مصدر ثلاثی مجرد از « قُلتُ، أقولُ، قولاً » است.[۱]مفهوم آن کلام با ترتیب است.جمع قول، «اقوال» و جمع الجمع آن«اقاویل» می باشد. «تقوّل» نیز به معنای بدعت دروغین است.[۲] معنای اصلی و پرکاربرد این واژه «گفتار و سخن» است. گفتار و سخن، کلام یا هر لفظی است که زبان آن را افشاء می کند،خواه آن کلام تمام باشد یا ناقص.در واقع متکلّم حروف را با هم ترکیب کرده و کلماتی را برای رسیدن به هدفی خاص در کنار هم قرار می دهد.[۳] هم چنین واژه قول با همان معنای اصلی و ظاهری خود که سخن معمولی و متداول است، بیش ترین کاربرد را در آیات و روایات داشته است.[۴]

مفهوم شناسی حُکم

معنای لغوی:

حکم، مصدر و اسم مصدر از ریشه «حَکَمَ»، به معانی قضاوت کردن، بازداشتن، فرمان دادن، دانش و حکمت آمده است.[۵] این کلمه از لحاظ اصطلاحی در علوم مختلف مانند فقه، اصول، منطق و فلسفه، معانی متفاوتی دارد. حکم در هر معنی که استعمال شود، دلالت بر استواری دارد.

برخی از شارحان تصوّر کرده اند که منظور امیرالمؤمنین (علیه السلام) از واژه حکم در این جا، قضاوت و داوری در میان مردم است. در حالی که امام (علیه السلام) حکم را در مقابل جهل قرار داده و این مطلب واضح است که نقطه مقابل جهل، علم و دانش و حکمت است. لذا به بررسی این معنی از معانی واژه حُکم پرداخته می شود.

مفهوم شناسی حکمت

راغب در کتاب **مفردات** در مورد حکمت می گوید: « منعاً لإصلاح، و منه سمّیته للّجام». یعنی منع و باز داشتن از کاری به منظور اصلاح آن امر است که به همین خاطر افسار اسب، حَکَمَه نامیده می شود.[۶]ابن

---

[۱]. شمخی و همکاران، وجوه معنایی واژه قول در قرآن کریم از دیدگاه مفسران فریقین، صفحه ۴

[۲]. مطیع و حسینی، تبیین معناشناختی آثار قول از دیدگاه قرآن کریم، صفحه ۳

[۳]. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، صفحه ۶۸۸

[۴]. شمخی و همکاران، وجوه معنایی واژه قول در قرآن کریم از دیدگاه مفسران فریقین، صفحه ۴

[۵]. ابن منظور، لسان العرب، جلد۱۲، صفحه ۱۴۲

[۶]. راغب اصفهانی،المفردات فی غریب القرآن، صفحه ۳۴۸

نهی از منکر می داند: «**خداوند سبحان، امّت های پیشین را جز به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر نفرین کرد.**»[1]امام باقر (علیه السلام) نیز انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر را، به ویژه از سوی علما، باعث برپایی واجبات، امنیت اعتقادی، رونق و سلامت کسب و کار، اعاده حقوق، آبادی زمین و انتقام گرفتن از دشمنان و سامان یافتن امور قلمداد می کند.[2]

روی آوردن علما به عافیت طلبی و سکوت موجب می شود روح امر به معروف و نهی از منکر در آنان از بین برود و تبعات ناشی از ترک این فریضه الهی دامن جامعه را بگیرد. تبعاتی که بسیار سنگین و پر هزینه است و جامعه را تا مرز تباهی و هلاکت تنزّل می دهد.[3]

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «امت های پیش، از زمانی هلاک شدند که مرتکب گناه شدند و علما و نخبگانشان، آن ها را از آن باز نداشتند وزمانی که آن ها غرق معاصی شدند و علمایشان در قبال آن سکوت کردند، عذاب های الهی بر ایشان نازل شد.»[4]

ایجاد روحیه استبداد و قانون گریزی در مسئولان

در جامعه ای که علمای دارای حکمت سکوت کنند، به تدریج روحیه استبداد و قانون گریزی در حاکمان پدید می آید و نتیجه طبیعی استبداد، واپس گرایی است.[5]امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این باره می فرمایند: «**امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید؛ که در صورت ترک آن، بدانتان بر شما مسلّط خواهند شد. آن گاه دعا خواهید کرد، امّا مستجاب نخواهد شد.**»[6]

اگر افراد دارای علم و حکمت در جامعه سکوت کنند به تدریج اشرار به قدرت می رسند، در این صورت قانون گریزی و استبداد رواج می یابد و این آغاز زوال است.

امام حسین (علیه السلام) علما و افراد دارای حکمت جامعه را به علّت سکوت در برابر حقو پایمال شده ی ملّت به شدّت سرزنش می کنند و می فرمایند: «شما ای گروه پر قدرت، افرادی هستید معروف به علم و دانش و نامدار به خوبی و خیرخواهی و به واسطه خدا در دل مردم عظمت یافتید؛ به طوری که شخص شریف از شما حساب می برد و شخص ضعیف شما را گرامی می دارد. هرگاه حاجت مندان از دست یافتن به حاجت خود

---

[1]. مجلسی، بحارالأنوار، جلد ۵، صفحه ۵۶

[2].کلینی، الکافی، جلد۵، صفحه ۵۶

[3]. امینی و کریمی، نقش سکوت و سخن نخبگان در تکامل جامعه از دیدگاه قرآن و روایات، صفحه۱۶

[4].کلینی، الکافی، جلد۵، صفحه ۵۷

[5]. امینی و کریمی، نقش سکوت و سخن نخبگان در تکامل جامعه از دیدگاه قرآن و روایات، صفحه۱۷

[6].کلینی، الکافی، جلد۷، صفحه ۵۲

محروم شوند، برای رسیدن به آن شما را واسطه قرار می دهند. شما به هیبت فرمان روایان و بزرگ واری بزرگ واران در راه گام بر می دارید. آیا همه این ها به خاطر این نیست که مردم به شما امید بسته اند تا به حق خدا قیام نمایید؟»[1]

آن گاه در مقام توبیخ آن ها به خاطر سکوتشان در قبال آن چه در جامعه می گذرد، می فرماید: « اکنون می بینید که پیمان های خدا شکسته می شود، ولی ناراحت و هراسناک نمی شوید ... عهد و پیمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خوار شده است. نابینایان و لالان و زمین گیر شدگان در همه ی شهرها بدون حمایت و کمک مانده اند و مورد دل سوزی واقع نمی شوند، در حالی که شما از منزلت و موقعیّت خودتان برای کمک رساندن به آنان استفاده نمی کنید و با چاپلوسی و سازش با ستم گران، امنیت خود را فراهم می آورید.»[2]

سایر آثار منفی سکوت ناپسند علما:

به خطر افتادن تعلیم و تربیت افراد جامعه، عدم اجرای عدالت و عدم فصل خصومت ها.

نتیجه گیری

از مجموع مباحث مطرح شده در این پژوهش، نتایج زیر به دست می آید:

۱) سخن گفتن و سکوت از ابتدا جزو رذایل یا فضایل اخلاقی محسوب نمی شوند و همواره نیز داری خیر و منفعت نیستند؛ بلکه زمینه ها، غایت و هدف فاعل از سخن و سکوت است که تعیین کننده خیر و شر یا فضیلت و رذیلت بودن آن ها می باشد.

۲) سخن حکیمانه آن است که بر مبنای تقوا الهی و علم ناشی از آن باشد. در واقع این دو منجربه سامان دهی و کمال عقل و ایجاد معرفت و در نتیجه جاری شدن سخن حکیمانه و معقول بر زبان می شوند.
۳) نقطه مقابل حکمت، جهل می باشد که ناشی از بی تقوایی و انجام معاصی است. سخنان جاهلانه پیامد های جبران ناپذیری بر اجتماع و افراد آن دارند. از جمله: وارد شدن در لشگر شیطان، از بین رفتن وحدت، بدگمانی نسبت به هم و ...

۴) سکوت و صمت هنگامی که به منظور تهذیب نفس باشد و یا به قصد تقیّه و حفظ دین صورت بگیرد، پسندیده و مورد تأیید است. ولی اگر عالم حکیم در شرایطی مانند فتنه، امر به معروف و نهی از منکر، تعلیم

---

[1]. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه حسن زاده، صفحه ۲۳۷
[2]. همان، صفحه ۲۳۷

و تربیت و ... سکوت کند، طبق روایات فعل حرام انجام داده و مورد لعنت خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد.

۵) سکوت نا به جای علما در جامعه موجب تضعیف امر به معروف و نهی از منکر، مسلط شدن اشرار، استبدادگری مسئولین وگمراهی مردم در زمان بدعت ها و فتنه ها می شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، ترجمه محمّد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین (ع)، چاپ سوم، سال ۱۳۹۱ ه.ش.

صحیفه کامله سجادیّه، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، تهران، مؤسسه انتشاراتی نقش نگین، چاپ دوم، سال ۱۳۸۶ ه.ش.

فهرست کتابها

۱) ابن اثیر جزری، مبارک بن محمّد، ***النهایه فی غریب الحدیث و الأثر***، قم، نشر اسماعیلیان، سال ۱۳۶۴ ه.ش.

۲) ابن شعبه، حسن بن علی، ***تحف العقول***، ترجمه صادق حسن زاد، قم، انتشارات آل علی (ع)، چاپ اول، سال ۱۳۸۲ ه.ش.

۳) ابن فارس، ابوالحسین، ***مقاییس اللغه***، نشر پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، سال ۱۳۸۷

۴) ابن منظور، جمال الدّین ابوالفضل محمّد بن مکرم، ***لسان العرب***، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی، سال ۱۴۰۸ه.ق.

۵) بحرانی، سیّد هاشم، ***البرهان فی تفسیر القرآن***، قم، نشر انوارالمهدی، چاپ اول، سال ۱۳۹۹ ه.ش.

۶) برقی، احمد بن محمّد بن خالد، ***المحاسن***، ترجمه محمّد مرادی، قم، نشر مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ دوم، سال ۱۳۹۵ه.ش.

۷) تمیمی آمدی، عبدالواحد، ***غرر الحکم و دررالکلم***، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ هشتم، سال ۱۳۹۵ه.ش.

۸) راغب اصفهانی، حسین بن محمّد، ***المفردات فی غریب القرآن***، ترجمه حسین خداپرست، تهران، مؤسسه انتشاراتی کتاب عقیق، چاپ پنجم، سال ۱۳۹۲ه.ش.

۹) صدوق، محمّد بن علی، ***الامالی***، قم، مؤسسه بعثت، چاپ اوّل، سال ۱۴۱۷ه.ق.

۱۰) طباطبایی، محمّد حسین، ***المیزان***، ترجمه سیّد محمّد باقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علّامه طباطبایی(ره)، چاپ پنجم، سال ۱۳۷۸ ه.ش.

۱۱) طریحی، فخرالدّین بن محمّد، ***مجمع البحرین و مطلع النیرین***، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۶۵ ه.ش.

۱۲) فراهیدی، خلیل بن احمد، ***العین***، ترجمه محمد مخزومی و دیگران، قم، انتشارات دار الهجر، سال ۱۴۰۹ه.ق.

۱۳) فیروز آبادی، محمّد بن یعقوب، ***معجم قاموس المحیط***، بیروت، نشر دارالمعرفه، چاپ چهارم، سال ۱۴۳۰ ه.ق.

۱۴) قرشی، سیّد علی اکبر، ***قاموس قرآن***، تهران، نشر دارلکتاب الاسلامیّه، چاپ ششم، سال ۱۳۵۲ه.ش.

۱۵) کلینی، محمّد بن یعقوب، ***الکافی***، تهران، انتشارات دارالثقلین، چاپ چهارم، سال ۱۳۹۳ه.ش.

۱۶) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ***بحارالأنوارالجامعه لدرر أخبارالأئمه الأطهار***، قم، اسلامیه، سال ۱۳۷۵ ه.ش.

۱۷) مطهّری، مرتضی، ***ده گفتار***، تهران، نشر صدرا، چاپ شانزدهم، سال ۱۳۷۷ ه.ش.

۱۸) ـ ، ***مجموعه آثار***، تهران، نشر صدرا، چاپ هفتم، سال ۱۳۷۶ ه.ش.

۱۹) مکارم شیرازی، ناصر، ***تفسیر نمونه***، تهران، دارالکتاب الاسلامیّه، چاپ سی و پنجم، سال ۱۳۷۵ ه.ش.

۲۰) - ، پیام امیرالمؤمنین (ع)، تهران، دارالکتاب الاسلامیّه، چاپ دوّم، سال ۱۳۷۹ ه.ش.

۲۱) مهدوی کنی، محمّدرضا، ***نقطه های آغاز در اخلاق عملی***، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، سال ۱۳۷۵ ه.ش.

فهرست مقالات

۱) اسکندریان، عبدالله، ***بررسی معنا و مفهوم تقوا در کنار بیان ثمرات و مراتب اکتسابی آن در پرتو آیات قرآن کریم***، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، دوره چهارم، شماره ۳۲، سال ۱۳۹۹ ه.ش.

۲) امامی، مرتضی؛ علی بخشی، معصومه، ***مفهوم شناسی صمت و نطق در نهج البلاغه***، دوّمین همایش ملّی نهج البلاغه در آراء و اندیشه های اسلام شناسان، سال ۱۴۰۱ ه.ش.

۳) امینی، نوروز؛ کریمی آخورمه، ثریّا، ***نقش سکوت و سخن نخبگان در تکامل جامعه از دیدگاه قرآن و روایات***، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال نهم، شماره ۸۱، سال ۱۳۹۳ ه.ش.

۴) جهرامیان، مسعود و همکاران، ***ویژگی های عالِم از نگاه امام علی (ع)***، فصلنامه پژوهش نامه نهج البلاغه، سال هشتم، شماره ۳۰، سال ۱۳۹۹ه.ش.

۵) خلیلی فر، علی، ***عوامل سخن گفتن بدون علم و آگاهی از منظر قرآن کریم و روایات شیعه***، اوّلین کنفرانس ملّی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی، تهران، سال ۱۴۰۰ه.ش.

۶) شمخی، مینا و همکاران، ***وجوه معنایی واژه قول در قرآن کریم از دیدگاه مفسرّین فریقین***، دو فصلنامه علمی مطالعات فهم قرآن، دوره ۱، شماره ۱، سال ۱۴۰۱ ه.ش.

۷) کاوند، علیرضا؛ احمدنیا، حسن، ***معنا شناسی توصیفی واژه حکمت با تکیه بر آیات و روایات***، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، سال ۱۴۰۰ ه.ش.

۸) مطیع، مهدی؛ حسینی، اعظم السادات، تبیین معنا شناختی آثار قول از دیدگاه قرآن کریم، فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره دوّم، سال ۱۳۹۱ ه.ش.

۹) میرزا نژاد، محمّدعلی، اصول سخن گفتن از منظر قرآن و روایات بر اساس آیه لا تقف...، اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی، سال ۱۳۹۳ه.ش.